



ناروی، اول جون ۲۰۱۹

محمد ولی دهستانی

## حلقه نامرئی در زنجیره مذاکرات صلح افغانستان

### 1- مقدمه

در این اواخر کنفرانسهای متعددی در مورد صلح افغانستان و در غیاب مردم آن از جانب کشور های مختلف در تبابی با یک عده عاملان جنگ در گوشه و کنار جهان تدویر گردیده. آخرین نمونه اینگونه ملاقاتها از 28 تا 30 ماه می 2019 به بهانه "صدمین سالگرد دوستی افغانستان و روسیه" در ماسکو صورت گرفت که در آن نمایندگان طالبان زیر رهبری ملا عبدالغنی برادر و لاشخورانی مانند باند کرزی، عطا محمد نور، محمد محقق، حنیف اتمر، خلیلی و چند رسوای دیگر در آن اشتراک داشتند. قبل از آن مذاکرات سه جانبه بین اضلاع متحده امریکا، فدراسیون روسیه و چین در آغاز ماه می 2019 نیز در ماسکو دایر گردیده بود. پیشتر از آن هم کنفرانسهای مشابهی در ترکمنستان، ازبکستان، قطر و بعضی جاهای دیگر بر پا گردیده بود. دو طرف متخاصم در جنگ افغانستان یعنی دولت و طالبان در این کنفرانسها یا اصلاً حضور نداشتند و یا اینکه یکی از طرفین حضور متقابل نداشت. ازینرو نتایج این کنفرانسها در روند صلح تأثیرگذار نبوده، بلکه بیشتر اشکال نمایشی داشته و قسماً روی برخورد سلیقه های این مذاکرات می چرخید. همچنان مذاکراتی بین کشور های اسلامی، بطور مثال در اندونیزیا و عربستان سعودی، برگزار شد تا جنگ افغانستان را از دیدگاه اسلام بررسی نمایند و عملیات نظامی طالبان را حرکات ضد اسلامی بخوانند. ولی این گردهمآئینها نیز نتیجه مثبتی در قبال نداشت.

فریاد های صلح خواهی و مذاکرات صلح افغانستان یکی دو سال بعد از فروپاشی حکومت طالبانی آغاز گردید و خط السیر پیچیده و مرموزی را پیمود که گاهی ساکن و زمانی متحرک بوده، گاهی امید به صلح را جان داده و زمانی بدبینی به این مذاکرات را تقویت نموده است. چون تلاشهای صلح با گلبدین حکمتیار و ادغام او در جماعت جنگسالاران دولتی در سالیان پسین نتیجه ای در پی نداشت، لذا طالبان از مذاکره با دولت افغانستان سر باز زده و به صورت مستقیم با اضلاع متحده امریکا وارد جر و بحث گردیدند. ازینرو مذاکرات صلح افغانستان هفت ماه قبل بین نماینده وزارت خارجه امریکا آقای خلیلزاد و نمایندگان طالبان در دوحه، مرکز قطر آغاز شد. ششمین دور این مذاکرات در هفته دوم ماه می 2019 بدون کدام نتیجه ملموس به پایان رسید. آقای خلیلزاد در پایان این دوره گفت: "برای استقرار صلح هنوز گامهای بلند برداشته نشده."

با در نظر داشت این واقعیات واضح می گردد که در زنجیره این مذاکرات طولانی و واقعیتهای جاری حلقه نامرئی ولی فعال اندر کار است که در ظاهر فریاد صلح خواهی سر می دهد، اما در باطن مانع صلح است. و این حلقه نامرئی کسی دیگری نیست به جز از خود مذاکره کنندگان، مخصوصاً دولت اضلاع متحده امریکا و شرکایش مانند دولت بریتانیا و جنگسالاران که نمی خواهند در کشور ما صلح مستقر گردد. در این نوشته کوشش به عمل آمده تا بر این واقعیت اندکی روشنی انداخته شود.

د پانو شمیره: له 1 تر 10

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

## 2 - روابط دیرینه اضلاع متحده امریکا و بریتانیا با طالبان

بعد از تجاوز اضلاع متحده امریکا بر حریم افغانستان در اکتوبر 2001 میلادی و فروریختن حکومت دست نشانده طالبانی، عده ای از اعضای گروه طالبان به داخل افغانستان و بخش دیگر آنها به کشور های همسایه متواری گردیدند. بعضی از آنها هم به گوانتمو و بگرام زندانی گردیده و چند فردی از آنها تسلیم شده و به دولت کززی پیوستند. امریکاییها از همان آغاز کار با طالبان سیاست دوگانه داشته و هیچگاهی تصمیم نداشتند تا طالبان را به صورت قطع از بیخ و بن بردارند و از صحنه سیاسی و نظامی محو نمایند. حتی گاهی نادم از آن بودند که چرا این گروه را در کنفرانس پیتزبرگ آلمان دعوت نکرده بودند. پس از آن با آزاد ساختن زندانیهای طالبان از محبس گوانتانامو اجازه داد که آنها تحت نظارت عساکر امریکائی در دور و بر دولت کززی در شهر کابل به صورت آزاد اقامت داشته باشند، مانند ملا متوکل وزیر خارجه طالبان و ملا ضعیف سفیر طالبان در اسلام آباد، مولوی قلم الدین وزیر امر بالمعروف و نهی از منکر طالبان در شهر کابل و دههای دیگر که حتی در مجلس شورای ملی، سنا و حکومت جابجا شدند. با مرور زمان زندانیان طالبان را جویه جویه به صورت انفرادی و یا دسته جمعی از زندانهای بگرام، کابل، قندهار و بعضی شهر های دیگر رها نمودند تا با باقی طالبان مسلح ملحق گردند.

علت این دو روئی اضلاع متحده امریکا و بریتانیا این بود که آنها قبل از آن در اواسط دهه 1990 میلادی طالبان را خود آنها به وجود آورده بودند. و دلیل آن این بود که یکی از شرکت های امریکائی به نام "یونوکال" در سال 1995 میلادی در صدد آن شده بود که پایپ لاین نفت و گاز ترکمنستان را از طریق افغانستان به پاکستان و هند وصل کند. تطبیق این پروژه ایجاب ثبات و حکومت قابل اعتماد را در افغانستان می نمود. و این در حالی بود که افغانستان بر اثر جنگهای احزاب اسلامی به یک کشور ملوک الطوائفی تبدیل شده بود. به همین دلیل بود که سازمان جاسوسی امریکا (سی آی ای) و سازمان استخبارات نظامی پاکستان (آی اس آی) در سال 1996 طالبان را در کابل به مسند قدرت نشانند و امریکا و عربستان سعودی آنها را تمویل نمودند. کشور های پاکستان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی حکومت طالبان را به رسمیت شناختند. زمانی که طالبان بر اریکه قدرت تکیه کردند، شرکت "یونوکال" طالبان را در شهر هیوستن امریکا دعوت نمود. آقای خلیلزاد در سال 1996 میلادی هنگامی که هیأت طالبان به امریکا رفت، آنها را در تکساس همراهی می کرد و در تلاش آن بود تا پروژه "یونوکال" تحقق یابد. خلیلزاد که مؤثرترین فرد در سیاست افغانستان امریکا بوده و هنوز هم است، از کارمندان پیشین شرکت نفتی "یونوکال" می باشد که با حامد کززی درین شرکت نفتی همکاری بود. خلیلزاد در ایجاد و پیروزی طالبان نقش مهمی داشت و هنوز هم دارد. همچنان حامد کززی از جمله کسانی است که از همان آغاز، ارتباطات سیاسی و دیپلماتیک طالبان را با امریکا و بریتانیا برقرار نمود. حامد کززی در مصاحبه ای با کانال تلویزیونی الجزیره به تاریخ نهم اکتوبر 2002 میلادی گفت: "در ماه می 1994 میلادی در شهر کوئته پاکستان بودم که طالبان ظهور کردند و مرا در مقدمه حرکت خویش جا دادند. من در آغاز از جمله مؤسسين این جنبش بودم." پس بی جهت نیست که او سالهای متمادی طالبان را برادران ناراضی خوانده و جنایات آنها را نادیده گرفت و با تجاوزگران خارجی از دل و جان همکاری نمود. ازینرو کمپنی نفتی امریکا یعنی "یونوکال" نقش مهمی را در تعیین حامد کززی به حیث رئیس حکومت انتقالی افغانستان بازی کرد تا بتواند امتیاز پروژه پایپ لاین افغانستان را بدست آورد.

به این ترتیب دیده می شود که تحریک طالبان مولود سازمان استخبارات نظامی پاکستان است که بر مبنای نیازهای استعماری و به استشاره دولت امریکا و بریتانیا در آغاز سال 1994 میلادی ظاهر گردیدند. طالبان توسط سازمان "سی آی ای" امریکا و عربستان سعودی پشتیبانی مالی شدند

د پانو شمیره: له 2 تر 10

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

و در سپتامبر 1996 میلادی کابل را گرفتند. جیواستراتژیست ها و سیاست مداران سیاست خارجی اضلاع متحده آمریکا در این معاملات نه به بنیادگرایی عصر حجر طالبان و نه هم به فرجام شوم آن برای مردم افغانستان، وقعی گذاشتند. برای اضلاع متحده آمریکا در اساس ثبات سیاسی رژیم طالبان و تضمین امنیت برای پروژه پایپ لاین افغانستان مطرح بود. دانا رورا باکر کانگرمن جمهورخواه ایالت کالیفرنیا در سخنرانی 17 سپتامبر سال 2001 میلادی خود در کانگرس گفت که: "حکومت آمریکا خود نقش مهمی در ایجاد طالبان داشت و همین آمریکا بود که پاکستان، عربستان سعودی و کشورهای خلیج را در تأیید و تقویت آنها تشویق نمود." همچنان بینظیر بوتهو در مصاحبه ای در لندن گفته بود که: "فکر روی کار آوردن طالبان از انگلیسها بود، مدیریت آنها امریکاییها به عهده داشتند، مصرف آنها سعودی ها پرداختند و من اسباب آنها فراهم آوردم و طرح را اجراء کردم." به این ترتیب روشن می گردد که اضلاع متحده آمریکا و بریتانیا با طالبان روابط دیرینه داشته و گاهگاهی با همدیگر به جنگ زرگری می پردازند.

### 3- جنگ و آشتی بین نوکر و ارباب

امریکائیها و انگلیسها به این باورند که "آنها دوست و دشمن دائمی ندارند، لکن منافع دائمی دارند". ازینرو برای تأمین این منافع، نوکران خود را گاهی بالا می کشند و همینکه تاریخ مصرف آنها سپری شد و یا تمرد کردند، آنها را به زیاله دانی تاریخ می فرستند. در صورت لزوم آنها را از زیاله دانی تاریخ دوباره بیرون می کشند و بر اریکه قدرت می نشانند. از بھر مثال نوسانات سیاسی گلبدین حکمتیار بر همگان روشن است که او سالهای متمادی فرزند نازدانه سی آی ای آمریکا، MI6 انگلیس و سازمان استخبارات نظامی پاکستان (آی اس آی) بود و هنوز هم است. او در دهه 1980 پوهای گزاف و اسلحه فراوان را از اربابان به کمک جنرال حمیدگل پاکستانی رئیس آی اس آی به دست آورد. لکن یک زمانی که گلبدین تمرد کرد، آنگاه ارباب امریکائی او را از خوان خود بیرون کشید و اسمش را در لیست سیاه آمریکا و مؤسسه ملل متحد به عنوان تروریست و قاتل درج نمود و بر سر او جایزه گذاشت. این موضوع نه تنها در مورد گلبدین صادق است، بلکه مصداق حال رضا شاه در ایران، صدام حسین در عراق، پینوچه در چیلی، نویریگا در پانامه، ضیاءالحق در پاکستان، کرزی در افغانستان و غیره نیز می باشد. حنیف اقر نیز باید انتظار چنین روزی را داشته باشد، زیرا او در اولین روز جلوس حکومت ع و غ توافقمنامه امنیتی را با آمریکا که شامل پایگاههای نظامی آن کشور نیز می شود، با عشوه گری خاصی امضاء کرد، اما حالا دم از خروج نیرو های امریکائی از افغانستان می زند. و این نمونه کامل از دورویی اوپوزیسیون افغانستان است.

لاکن زمانی که گلبدین در سال 2017 میلادی به صورت بلا قید و شرط تسلیم شد، آنگاه آمریکا جیهایش را با دالر پر کرد و او را به معیت جنرالان پاکستانی و امریکائی با هلیکوپتر در ارگ ریاست جمهوری رساند و در قطار هم سلکان جنایتکارش ایستاده نمود. بعداً اسم او را از لیست سیاه آمریکا و ملل متحد دور نموده، ماهانه یک میلیون دالر از خزانه ملت برای او معاش مقرر نموده و حدود 90 نفر عسکر و صاحب منصب را برای محافظت او تعیین کرد و امتیازات فراوان دیگر نیز برایش بخشید. و این در حالیکه گلبدین خون هزاران انسان بیگناه و ویرانی شهر کابل را با سایر همقطارانش به گردن دارد و باز هم این در حالیکه قرار احصائیه دولت افغانستان 54 در صد جامعه زیر خط فقر زندگی می نماید و گلبدین و شرکایش در اوج تنعم به کرشمه بازی مصروف اند. وقتی ارباب امریکائی گلبدین را در آغوش گرفت، آنگاه گلبدین نیز از تخاصم دست گرفت و بر قول خود خط بطلان کشید که گفته بود: "امت رسول الله نباشم که تا ماندن یک عسکر امریکائی در افغانستان از جنگ دست بردارم."

جنگ و گریز آگاهانه آمریکا و طالبان از سالهای 2003 میلادی آغاز گردید، لکن آهسته آهسته و به صورت مستدام ادامه یافت. در این مسیر آقای کرزی پیوسته طالبان را برادران نا راضی خطاب کرده و برای آشتی با آنها زمینه های فراوانی را آماده ساخت. از جانب دیگر نیرو های خارجی،

د پانو شمیره: له 3 تر 10

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
پادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

مخصوصاً امریکاییها و انگلیسیها بارها برای طالبان سلاح مدرن و مهمات رسانیده و آنها را از جنوب به شمال افغانستان انتقال می دادند. این موضوع چنان افتضاح آمیز بود که آقای کرزی بارها در این رابطه اعتراض کرد، زیرا کرزی می خواست که طالبان در جنوب کشور مستقر باشند. لکن گوش ارباب برای این اعتراضها که چندان جدی هم نبود، شنوائی نداشت، زیرا ارباب در نظر داشت که طالب و داعش را در شمال کشور انتقال دهد. در طول سالیان اخیر امریکاییها و انگلیسیها تعداد بیشتر زندانیان طالب را از بند رها نموده و برخی از آنها را در مقامات دولتی نصب کرده و برای آنها امتیازات فراوان دادند. حتی وقتیکه آقای دوستم بدون استشارة ارباب در سال 2016 به جنگ طالبان به سمت شمال رفت و ضربات کاری بر آنها وارد نمود، ضد دوستم توطئه شد و او مورد عتاب امریکا و انگلیس قرار گرفت. در نتیجه دوستم به ترکیه فرار کرد تا درسی باشد برای کسانی که بخواهند از امر ارباب نمرد کنند و در برابر طالبان قرار گیرند. قبل از این آقایان جنرال محمد داوود داوود، مولانای سیدخیلی، جنرال عبدالرازق و عده ای دیگر که هنوز ازین واقعیت درسی نیاموخته بودند و با طالبان ضدیت داشتند، از جانب ارباب امریکائی به شکل مرموزی ترور شدند.

در زمان حکومت آقای کرزی، محمد حنیف اتمر که وزیر معارف آن وقت بود، برای خوشی خاطر طالبان سه هزار مدرسه در افغانستان بوجود آورد تا به نیروی ذخیره طالبان کمک برساند. همچنان آقای غنی چندین بار از طالبان دعوت به عمل آورد تا دفتر و مدارس خود را با خانواده های شان از پاکستان به افغانستان انتقال دهند. به تاریخ 6 ماه می 2019 آقای غنی به امر اضلاع متحده امریکا، حکم آزادی 175 طالب را از زندان پلچرخ صادر نمود. و این در حالیست که آقای غنی در کنفرانس مونشن در زمستان 2019 اذعان کرد که از زمان جلوس او به کرسی ریاست جمهوری افغانستان حدود 45 هزار نفر از نیروهای امنیتی مملکت به دست طالبان به قتل رسیده اند. شمار هلاک شدگان افراد ملکی نیز بسیار درشت است. و این در حالیست که طالبان در غزنی، کندز، بالا مرغاب، بغلان، کابل و بسی جاهای دیگر مملکت جنایت های هولناکی آفریدند. حمله طالبان بر تأسیسات امریکاییها مانند کاونترپارک که در اولین روز های رمضان سال 2019 در کابل صورت گرفت، نه تنها هیچ نوع خشم امریکاییها را در قبال نداشت، بلکه طالبان اذعان کردند که چنین کشتارها در ماه رمضان ثواب بیشتر دارد.

قابل توجه است که اگر ایران و یا کوریای شمالی یک فرد امریکائی را بکشند از جانب دولت امریکا با خون و آتش تهدید می گردند، در حالی که در مورد طالبان از خویشتن داری کامل استفاده صورت می گیرد و این نیرنگی است که بر مذاکرات صلح افغانستان حاکم است. فراموش نباید کرد که خلیلزاد بنا بر حکم رئیس جمهور ترمپ از پاکستان مطالبه نمود تا طالبانی را که در پاکستان زندانی بودند، رها نماید، از جمله ملا غنی برادر، نفر دوم طالبان که اینک در قطر به حیث رئیس هیأت طالبان در مذاکرات صلح اشتراک دارد. علاوه بر این نام یک تعداد از طالبان که در لیست سیاه شورای امنیت مؤسسه ملل متحد و لیست سیاه دولت امریکا درج گردیده بود، پاک گردید.

#### 4- مذاکرات صلح بین امریکا و طالبان

از همان سالهای 2003 و 2004 میلادی بخاطر ادغام طالبان در دولت کرزی کوششهای زیادی به عمل آمد. اما ازینکه طالبان در آن زمان تهدید جدی نبودند، به آنها توجه کمتر صورت گرفت. با گذشت زمان و مخصوصاً بعد از تشدید جنگ در سوریه در سال 2012 میلادی، موضوع شرکت طالبان در دولت افغانستان مهم گردید. اهمیت این قضیه زمانی بیشتر شد که در سال 2015 فدراسیون روسیه وارد جنگ سوریه شد و نیروهای را که بریتانیا، اضلاع متحده امریکا و کشور های عربی خلیج فارس به وجود آورده بودند، از قبیل جبهه النصره، احرار شام، داعش و غیره به شکست مواجه ساخت. با شکست این گروههای تروریستی در سوریه، اضلاع متحده امریکا و بریتانیا بر آن شدند تا گروه طالبان را تقویت بیشتر کنند تا در مقابل فدراسیون روسیه، ایران و چین مقابله نمایند. ازینرو مسأله مذاکرات صلح با طالبان اهمیت بیشتر کسب نمود. گر چه با افتتاح دفتر طالبان در

د پانوی شمیره: له 4 تر 10

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
پادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

قطر زیر نام امارت اسلامی افغانستان آقای کرزی قبلاً ظاهراً مخالفت نمود، لکن این مخالفت جائی را نگرفت. در زمان دولت به اصطلاح "وحدت ملی" از طالبان تقاضا به عمل آمد که دفتر نمایندگی خود را به کابل و یا هر ولایتی که خواسته باشند، انتقال دهند، لکن طالبان این خواست را نپذیرفتند.

طی مذاکرات مخفی که در سالهای پسین با طالبان در قطر صورت گرفت، آنها حاضر شدند که حضور نظامیان امریکائی را زیر نام مشاورین اردوی افغانستان با پایگاههای نظامی آنها بپذیرند. این عقب گشت طالبان، امریکائیها را ترغیب کرد که مذاکرات را ادامه دهند. با تمديد مذاکرات، طالبان خواسته های بیشتری را مطرح کردند، منجمله قطع عملیات امریکائیها بر ضد طالبان، اشتراک طالبان در سامانه دولت، تعدیل قانون اساسی، ادغام نیروهای طالب در ساختار های نظامی و امنیتی، واگذاری 13 ولایت جنوبی در اختیار طالبان و بعضی توقعات دیگر.

## 5- مرحله جدید مذاکرات صلح

آقای ترامپ رئیس جمهور امریکا جنگ افغانستان را که مصارف گزافی در قبال دارد، قبل از انتخابش مورد جر و بحث قرار داده و گفته بود که بعد از آنکه او به قدرت رسید، به جنگ عراق و افغانستان پایان خواهد داد. آقای ترامپ در سال 2018 جنگ افغانستان را مسخره خطاب کرده و یادآوری نموده بود که در این مسیر کاری را انجام خواهد داد. ازینرو او آقای خلیلزاد را به حیث نماینده خاص وزارت خارجه امریکا برای مذاکرات صلح افغانستان تعیین کرد. آقای خلیلزاد طی هفت ماه گذشته تا حال شش دوره از مذاکرات صلح را با طالبان انجام داده و برای اجرای این مأمول بارها به پاکستان، کشور های عربی، فدراسیون روسیه، چین، هند، آسیای میانه و بعضی کشورهای دیگر به مسافرت پرداخته. نتایج این جر و بحث ها تا حال روشن نیست. آنچه از قراین بر می آید، اینست که طالبان آتش بس را نپذیرفته و خواستار خروج نیروهای خارجی از افغانستان اند. علاوه بر این آنها خواستار امارت اسلامی، تعدیل قانون اساسی، تطبیق شریعت، تبدیل نام رئیس جمهور با امیر المومنین و غیره اند. همچنان طالبان طرفدار مذاکرات بین الافغانی بوده و حاضر نیستند که با دولت به اصطلاح "وحدت ملی" به صورت مستقیم مذاکره نمایند. امریکائیها خواستار آنند که در قدم نخست یک آتش بس صورت بگیرد، آنگاه مذاکرات بین الافغانی و در نهایت مذاکرات مستقیم بین طالبان و دولت به اصطلاح "وحدت ملی" صورت پذیرد. گذشته ازین طالبان باید با گروه القاعده قطع روابط کنند و تضمین نمایند که از خاک افغانستان ضد منافع امریکا عملی صورت نخواهد گرفت. در یک کلام اهداف و پیشرفت این مذاکرات در هاله ای از ابهام قرار داشته و مغشوش است.

در این خصوص مفردات ذیل قابل مذاقه اند:

- با اینکه اضلاع متحده امریکا نیک می داند که منبع و مبدأ حرکات جنایتکارانه طالبان پاکستان است، با آتم در طول این 18 سال هیچگاهی بر پاکستان فشار قابل ذکری وارد نکرده و این کشور مثل همیشه از کمکهای اضلاع متحده امریکا بهره می برد.
- خواست امریکا از طالبان مبنی بر اینکه بعد از قدرت گیری آنها، از خاک افغانستان علیه منافع امریکا کدام اتفاقی نیافتد، بسیار مسخره است. زیرا قویترین کشور جهان چطور می تواند از چهار تا طالب نوکر چنین تضمین بخواهد، مگر اینکه توطئه ای در کار باشد.
- همچنین قطع مراودات طالبان با القاعده یعنی چیزی که امریکا ظاهراً می خواهد، نیز عوام فریبانه است. زیرا این دو گروه جهان بینی واحد داشته و هر دو طرفدار تطبیق شریعت، دشمنی با پیشرفت و حقوق بشر و لغو دموکراسی و غیره اند. موجودیت اسامه بن لادن و امان دادن طالبان به او و گروه او در افغانستان خود نشاندنده فکر و عمل مشابه این دو گروه تروریستی می باشد.

د پانو شمیره: له 5 تر 10

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

- اشتراک دولتمردان بلند پایه وزارت خارجه امريکا در پهلوی خلیزاد در مذاکرات صلح در قطر در واقعیت امر مشروعیت دادن به تحریک طالبان بوده و نشان می دهد که امریکا برای ادغام طالبان در سامانه دولت افغانستان از دل و جان تلاش می نماید.
- در این مسیر ملاقات نمایندگان اتحادیه اروپا و مؤسسه ملل متحد، دولت آلمان و وزیر خارجه اندونیزیا با ملا عبدالغنی برادر که در ماه می سال 2019 صورت گرفت و از جانب اضلاع متحده امریکا تنظیم گردیده بود، نیز برای بالا بردن عزت طالبان و مشروعیت بخشیدن به آنها صورت گرفت. یعنی مشروعیت به مبارزات مسلحانه طالبان و قتل و قتال مردم افغانستان به دست آنها. و این در حالیست که کشور های اسلامی با کنفرانسهای در اندونیزیا و عربستان سعودی جنگ طالبان را که به صورت حملات انتحاری صورت می گیرد و بیگناهان را به هلاکت می رساند، در مغایرت با اسلام دانسته و آنرا محکوم کردند.
- مذاکرات مجدد طالبان با یک عده از سیاسیون افغانستان بار دیگر به تاریخ 28 تا 30 ماه می 2019 در ماسکو برگزار شد (به تصاویر بزیر مراجعه شود). این مذاکرات به بانه صدمین سالگرد دوستی افغانستان و روسیه صورت گرفت. در این مذاکرات یک عده از لاشخوران مانند باند کرزی، عطا محمد نور، محمد محقق، حنیف اتمر، کریم خلیلی و چند رسوای دیگر اشتراک داشتند که می خواهند منافع شان در قدرت گیری طالبان حفظ گردد. ازینرو از خون دهها هزار انسانی که به دست طالبان ریخته شده، چشم پوشی می کنند، در حالیکه قبلاً خود را جبهه ائتلاف ضد طالب می خواندند. طالبان در این مذاکرات پیشنهاد آتش بس را رد کردند.



تصاویری از طالبان و وطنفروشان دوره گرد "ائتلاف بزرگ ملی افغانستان" و غیره در کنفرانس دوم ماسکو به تاریخ 28 تا 30 ماه می 2019. مأخذ: سایت اینترنتی بی بی سی مؤرخ 31 ماه می 2019. <http://www.bbc.com/persian/afghanistan-48462860>

د پانو شمیره: له 6 تر 10

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

● واقعیت این است که فدراسیون روسیه از سال 1394 خورشیدی به این طرف روابط استخباراتی خود را در افغانستان احیا نموده، با طالبان مناسبات دوستانه برقرار کرده و آنها را کمکهای مادی و تسلیحاتی می‌کند. به این ترتیب جایگاه روسها در مذاکرات صلح افغانستان برجسته شده و دست روسها در سیاست داخلی و خارجی افغانستان دراز تر گردیده. لاشخورانی مانند باند کرزی، عطا محمد نور، محمد محقق، حنیف اتمر و غیره از یک جانب نقش فدراسیون روسیه را در افغانستان تقویت کرده اند و از جانب دیگر باعث قدرتمند شدن طالبان گردیده اند. این لاشخوران به عوض آنکه اختلافات خود را حل کنند، آله دست اجنبی ها شده و جنگ را در کشور دامن می‌زنند. و این در حالیکه خوب می‌دانند که جلو طالبان به دست آی اس آی پاکستان است و این پاکستان است که در افغانستان آشوب بزرگی را راه اندازی کرده و اینک فدراسیون روسیه در آتشی که پاکستان افروخته، هیزم می‌کشد. فراموش نباید کرد مهمترین اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان بعد از فروپاشی آن حزب یا به شورای نظار پیوستند و یا با حزب اسلامی گلبندین. مانند جنرال علومی، عظیمی، دلاور، تنی و غیره. عده ای از آنها نیز به تحریک طالبان پیوستند مانند ملا شیر محمد عباس استانکزی که سابقه خلقی دارد و دههای دیگر. به این ترتیب روسها پایه های مستحکمی در بین احزاب افغانستان، منجمله تحریک طالبان بوجود آورده اند. فدراسیون روسیه با گرفتن دو کنفرانس در ماسکو با اشتراک طالبان و "ائتلاف بزرگ ملی افغانستان" و چند رسوای دیگر نکات ذیل را در رابطه با رهبران مجاهدین به شمول طالبان و چهره های رسوا به اثبات رساند:

- جنگ بر ضد کمونیزم که از جانب اینها تبلیغ می‌شد، صحنه سازی و دروغ مطلق بود.
- فریادهای آنها به بمانه این که گویا آنها برای دین می‌جنگند، چیزی جز عوام فریبی نبود.
- اینها حاضرند برای رسیدن به قدرت به پای اجنبی به سجده بیافتند و خون یک و نیم میلیون افغان را که در جنگ ضد روسی به شهادت رسیده بودند، به گل روی پوتین بخشیدند.
- فریاد های آزادیخواهی و آزادمنشی آنها دروغ بوده، دم شان زیر پای اجنبیها، منجمله روسهاست.
- با زنان زیباروی روسی کرشمه بازی و زنان کشور خود را سنگسار می‌کنند.

● امریکا اهداف اساسی خود را برای دولت به اصطلاح "وحدت ملی" بیان نمی‌کند و نمی‌گوید که از مذاکرات صلح چه می‌خواهد. زیرا منافع آنها ایجاب می‌کند که با قضایای افغانستان به دو زبان صحبت نمایند. امریکا نیک می‌داند که دولتهای پوشالی اعم از طالبان و امثال آنها از فرمان امریکا سر بر نمی‌تابند. بنا بر آن برای امریکا منافع دائمی آن مطرح است و بودن یا نبودن به اصطلاح دولت "وحدت ملی" و یا طالبان ارزشی ندارد. آنچه مهم است تلافی قدرتهای بزرگ و قدرتهای منطقه با امریکاست مانند فدراسیون روسیه، چین، هند، ایران و پاکستان. در این مسیر امریکائیها حاضر نیستند که از کوچکترین منفعت خود در افغانستان بگذرند. لذا در مذاکرات صلح جنجال می‌آفرینند و نمی‌خواهند که بر طالبان فشار وارد نمایند که با دولت افغانستان به مذاکره بنشینند. از جانب دیگر فدراسیون روسیه طرفدار آنست که امریکا سناریوی بعد از خروج را توضیح دهد. چون این موضوع روشن نیست، ازینرو فدراسیون روسیه از یک جانب روابط خود را با طالبان دوستانه تر می‌سازد و از جانب دیگر به تحکیم مرزها در کشور های آسیا میانه می‌پردازد. چین می‌خواهد که در رابطه با افغانستان از محاصره نظامی، سیاسی و اقتصادی امریکا خارج شود. چین با داشتن پاکستان در کنار خود و روسیه با همسویی ایران می‌خواهند در قضیه افغانستان برنده باشند. هند راضی نیست که پاکستان در افغانستان نفوذ داشته باشد.

د پانو شمیره: له 7 تر 10

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دلپکنی د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

- در ماه می سال 2019 میلادی امریکا اعلان کرد که مبلغ 600 میلیون دالر را که جهت سرکوبی هراس افگنان در افغانستان تخصیص داده بود، برای اعمار دیوار بین امریکا و مکزیکو به کار می برد. در واقعیت امر این چراغ سبز دیگری بود که امریکائیاها برای طالبان نشان دادند، تا آنها به عملیات تروریستی شان ادامه دهند، بی هراس از تقابل با امریکا.
- اضلاع متحده امریکا می خواهد یک گروه طالبان را بالا بکشد و به حیث طرف معامله مشروعیت بدهد تا این گروه بر دیگران چیره شود. تا جائیکه معلوم گردیده، طالبان شامل 20 گروه مختلف اند، مانند طالبان پاکستانی، روسی، ایرانی، چینی، افغانی و غیره. اضلاع متحده امریکا از طالبان می خواهند که با داعش مبارزه نمایند. امریکا که داعش را خودش بوجود آورده، افراد آنرا از سوریه به افغانستان منتقل ساخته تا برای اهداف خویش از آنها استفاده نماید.
- شورای عالی صلح به حیث موجود بی رمقی گاهی از اضلاع متحده امریکا صلح گدائی می کند و زمانی چشم به درگاه طالبان می بندد. این نهاد به جز مصرف پولهای گزاف کدام کار مثمیری انجام نداده و چشم براه طالبان اند.
- یک عده از جنگسالاران و غارتگران عملاً در برابر مذاکرات صلح قرار گرفته و اذعان کردند که در صورتیکه منافع آنها تأمین نگردد، از روند صلح پشتیبانی نمی کنند. از جانب دیگر لیست مذاکره کنندگان را که دولت افغانستان آماده کرده، طالبان نمی پذیرند. طالبان افرادی را در مذاکرات صلح می خواهند که مطابق به میل آنها باشند. جالب است که آقای غنی طرفدار این مذاکرات بوده و آقای عبدالله در مخالفت با آن قرار دارد. و این مصداق حال تعداد زیادی از سیاسیون در درون و بیرون از دولت افغانستان است که طالبان از آن استفاده می نمایند.
- مذاکرات صلح در غیاب مردم افغانستان بازی به سرنوشت این ملت است. مگر ملت نمی داند که طالبان در طول امارت سیاه خودبه قتلهای دسته جمعی و حرکات وحشتناکی دست زده، مکاتب و مراجع علمی مملکت را بسته کرده، تمام مظاهر آزادی را از بین برده، زنها را به فمچین بسته، سنگسار را ترویج کرده و بر کشور آرامش قبرستان را تحمیل نمودند. طالبان هنوز هم به این اعمال ننگین خود ادامه می دهند. اینک آقای خلیلزاد در غیاب این مردم رنج کشیده برای تأمین منافع امریکا با سرنوشت مردم بازی کرده به طالبان عشو می فروشد.
- گر چه حکومت افغانستان دست نشانده جان گیری و امریکاست، با آهم برای تعیین آنها ظاهراً انتخابات صورت گرفت. اضلاع متحده امریکا حتی حاضر نیست که حکومتی را که خودش نصب کرده، در مذاکرات صلح بپذیرد.
- طالبان و امریکا تأکید دارند تا مذاکرات بین الافغانی فی مابین سران مجاهدین، بیروکراتها، دار و دسته کززی و چند رسوای دیگر در مورد صلح صورت گیرد، چنانکه در فیروری 2019 در ماسکو صورت گرفت و در اخیر ماه می 2019 تکرار شد. غافل از اینکه اینها همه دشمنان واقعی مردم افغانستان و نوکران پر و پا قرص اجنبی اند و حاضرند به خاطر تضمین منافع شان حتی با شیطان همخوان شوند.
- بازندگان این پلان شوم مردم افغانستان و ویرانی کامل این سرزمین و تمدن آنست. طرفین جنگ که امریکا و طالبان باشند در تبانی با هم زمینه های تشدید و گستردهی آنرا فراهم می کنند. طالبان به بهانه خروج نظامیان خارجی و امریکائیاها به بهانه جنگ ضد ترور کشور ما را به ویرانه تبدیل کرده و باشندگان آنرا جوقه جوقه به کام مرگ می فرستند. و این در حالیست که طالب خودش نوکر است و امریکا هم خالق ترور.

## 6- برندگان مذاکرات

یک جانب مذاکره کننده اضلاع متحده امریکا است، یعنی یگانه کشوری که بم اتمی را بر ضد بشریت به کار برد و آنرا به صورت مستقیم در اختیار بعضی کشور ها مانند بریتانیا، فرانسه و اسرائیل گذاشت. اضلاع متحده امریکا دولت قانونی داکتر مصدق را در یک کودتا بر انداخت و کودتا های

د پانو شمیره: له 8 تر 10

افغان جرمن آنالین په درننبت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په خیر و لولئ



دیگری را در آسیا و امریکای لاتین راه اندازی کرد. باید تذکر داد که بعد از جنگ جهانی دوم اضلاع متحده امریکا در 57 کشور کودتای نظامی کرده و نوکران خود را به قدرت رسانیده. این سیاست ددمنشانه اضلاع متحده امریکا چنان خائمانسوز است که اینک شرق میانه را به مجمری از آتش تبدیل کرده. به روال این سلسله، اینک امریکا میخواهد که طالبان و اسلام سیاسی را در افغانستان به قدرت برساند و مدارس دینی را از پاکستان به افغانستان انتقال داده، افغانستان را به مرکز تربیه تروریست ها تبدیل کند و از این تروریست ها بر علیه چین، روسیه ایران و هند استفاده نماید. در این پلان، عربستان سعودی و پاکستان با امریکا همکاری می نمایند. این پلان صلح نه، بلکه پلان جنگ برای بیست سال آینده است. برندگان این جنگ امریکا، پاکستان و عربستان سعودی اند. زیرا امریکا می تواند بازار فروش اسلحه را از این طریق گرم نگه دارد و بر حریفانش مانند چین، روسیه و ایران، از طریق انتقال عملات تروریستی ضربه وارد نماید. عربستان سعودی می تواند به کمک طالبان جلو تحركات ایران را بگیرد. همچنین پاکستان می تواند با کمک طالبان جنگهای چریکی را در کشمیر دامن زده و در مقابل هند بایستد.

برنده دیگر این مذاکرات طالبان اند که می خواهند در سامانه قدرت سهیم شوند و در همکاری با اضلاع متحده امریکا، انگلیس، عربستان سعودی و پاکستان مقدرات مردم افغانستان را بدست خود گرفته و راه را برای حاکمیت طولانی خویش هموار سازند. ازینکه روسها و امریکائیاها بخاطر منافع خود طالبان را بالا کشیده اند و اپوزیسیون دولت افغانستان نیز در برابر طالبان به سجده افتیده، هواداران طالبان چنان ذوق زده شده اند که از خوشی در لباس نمی گنجند. این ذوق زدگی طرفداران طالبان چنان جنون آمیز است که تحریک طالبان را آزادخواه و نجات بخش قلمداد کرده و صلح و صفا و رفاه این سرزمین را در قدوم منحوس آنها می بینند. اینها نمی خواهند ببینند که طالبان کرام هر روز مکتب را می سوزانند، معلم را می کشند، بیگناهان را به گلوله می بندند، زنان را سنگسار می کنند، بر معابد حمله ور می شوند و هر چه آبادی است آنرا آتش می زنند و باور های خود را بر مردم به زور تفنگ تحمیل می کنند. آنگاه این همه جنایات را شریعت ناب محمدی می خوانند. اینها غافل اند که مردم به این باور اند که "آزموده را آزمودن خطاست!"

جالب است که ملا هیبت الله رهبر طالبان امروز اول جون 2019، به مناسبت عید رمضان پیامی فرستاد که در آن به ادامه جنگ تأکید شده و از امریکا خواسته که در مذاکرات صلح طرح طالبان را بپذیرد. در این پیام از آتش بس که توقع مردم افغانستان است، سخنی نرفته و ملا هیبت الله حتی حاضر نبود که برای سه روز عید، آتش بس را بپذیرد. ازینرو طالبان که به میخ اجنبی ها مانند امریکا، بریتانیا، عربستان و پاکستان می پرد، حاضر نیست که حتی در روز های عید دست از قتل وطنداران و همکیشان خود بردارد.

فرامش نباید کرد که طالبان در زمان حاکمیت شان تمامی قوانین حقوقی و مدنی کشور را ملغی قرار داده، جمیع راههای پیشرفت و تعالی کشور را مسدود نموده، زمینه را برای سیاستهای خانه برانداز پاکستان مساعد ساختند. طالبان حتی در همین کنفرانسها با پاسپورت های پاکستانی مسافرت می کنند. مضاف بر این طالبان با پشتیبانی امارات متحده عربی و عربستان سعودی به جنگ فرقه ئی و مذهبی پرداخته و هزار و یک جنایت هولناک دیگر را مرتکب شدند. طالبان دشمن ترقی و پیشرفت بوده و حقوق بشر، منجمله حقوق زنان، را لگدمال کردند. آنها سنگسار زنان را ترویج کرده، در نظر دارند که کشور را به عصر حجر برگردانند و جلو مقدرات کشور را به دست سازمان جاسوسی نظامی پاکستان یعنی آی اس آی بدهند. ازینرو خوشبینی به صلحی که طالبان می خواهند و وطنفروشانان مانند باند حامد کرزی، عطا محمد نور، حاجی محمد محقق، حنیف اتمر و دیگران از آن دم می زند، جفائیس عظیم در حق مردم و تاریخ افغانستان. اینکه گویا فکر طالبان تغییر کرده، افسانه ای بیش نیست و آنچه برهان الدین ربانی آنها را "فرشتگان صلح" خوانده بود، عمق این کرنش را نشان می دهد.

د پانوی شمیره: له 9 تر 10

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
پاډونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

اوضاع بدی بر کشور ما سایه افکنده. از یک جانب مردم در دهه 1990 میلادی حاکمیت عصر حجر طالبان و جنایات هولناک آنها را پنج سال تمام تجربه کردند. مردم دیدند که مقدرات مملکت بدست آی آس آی پاکستان افتاد. چنانکه در سالهای نخست سر رشته نظام طالبانی بدست نصیرالله بابر بود و جنرالان پاکستانی عملاً در افغانستان حکومت می کردند. در آخرین روز های حکومت طالبان صد ها پاکستانی در مزار شریف، کندز، کابل، قندهار و غیره جاها وجود داشتند. لذا مردم از ترس آنکه این سناریو ها باز هم تکرار نشوند، امید به امریکا بسته اند، غافل از آنکه امریکا خودش چنین سیاه روزی را بالای مردم آورده و طالبان در این رابطه از دل و جان به امریکائیان کمک می رسانند.

## 7- نتیجه

چنانکه در بالا ذکر گردید، مذاکرات صلح افغانستان در غیاب مردم این سرزمین به راه انداخته شده و توقعات دو جانب مذاکره کننده از خواستهای اساسی و بر حق مردم این کشور که استقرار یک صلح پایه دار و عادلانه باشد، فرسنگها فاصله دارد. از جانب دیگر چنانکه هویداست اعضای "ائتلاف بزرگ ملی افغانستان" و چند رسوای دیگر با طالبان در تماس هستند و در باره مهمترین موضوعات، از جمله حفظ منافع آنها و ایجاد یک حکومت مؤقت با هم به توافق رسیده اند. ازینرو اگر در این مذاکرات توافقاتی هم به عمل آید و طالبان در دولت مدغم شوند، در این صورت یک دولت مستبد و جلاطلبانی بوجود خواهد آمد که از حمایت امریکا و شرکای جهانی اش و "ائتلاف بزرگ ملی افغانستان" و چند رسوای دیگر برخوردار خواهند بود. قربانی این تباری مردم بوده و تقوای باشندگان افغانستان برای حصول استقلال، تأمین آزادی، نهادینه ساختن یک نظام منتخب و مردم سالار، دموکراسی، عدالت اجتماعی، دفاع از حقوق بشر، حمایت از حقوق زنان، به محاکمه کشاندن جنایت کاران جنگی و تخطی گران حقوق بشر، باز سازی و نوسازی جامعه و مملکت و غیره بی ثمر خواهند شد.

ازینرو باید آحاد مردم بر ضد نیروهای جنگ افروز و اجنبی و طالبان یعنی این نیروی سیاه، نوکرمنش، قاتل و خونریز و جنگسالاران "ائتلاف بزرگ ملی افغانستان" مبارزه نمایند. و این رسالتیست که تاریخ بر عهده همه افغانهای وطن دوست و معتقد به استقلال، آزادی، ترقی، تعالی، دموکراسی و عدالت اجتماعی گذاشته است.

برای مذاکره جهت قطع جنگ باید یک عده افراد آگاه و متخصص و ملی که نه طرفدار طالب باشند و نه هم هواخواه دولت ع و غ و امریکا سر رشته این مذاکرات را به دست گیرند و نگذارند که افغانستان و افغانها قربانی پلانهای شوم اضلاع متحده امریکا، بریتانیا، طالبان و "ائتلاف بزرگ ملی افغانستان" و چند رسوای دیگر گردند.

پایان

د پانو شمیره: له 10 تر 10

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ